

ایران ورزشی

مربیگری مدرن؛ فراتر از تاکتیک و تکنیک

یک استراتژیست کامل تبدیل می‌کند. فدراسیون و کمیته‌آموزش باید نگاه خود را گسترش دهند و با گنجاندن واحدهای روانشناسی ارتباطات و رسانه در سرفصل‌ها، نسلی از مربیان توانمند در ابعاد اجتماعی و خبری پرورش دهند. این اقدام، گامی اساسی برای حرفه‌ای‌تر شدن فوتبال و تعامل سازنده با جامعه است.

نه فقط هدایت‌کننده تاکتیک‌ها، که سخنگوی تیم، مدیر بحران و نماینده باشگاه در برابر امواج خروشان شبکه‌های اجتماعی است. یک پاسخ نادرست در نشست خبری یا مدیریت ضعیف افکار عمومی، می‌تواند زحمات هفته‌ها تمرین فنی را خنثی کند. آموزش اصول مصاحبه، چگونگی تعامل با هواداران و مدیریت فضای مجازی، مربی را به

بدون تردید، دانش فنی و تاکتیکی ستون اصلی مربیگری است، اما در عصری که فوتبال به یک پدیده فراگیر اجتماعی و رسانه‌ای بدل شده، کارگاه‌های صرفاً تاکتیکی پاسخگوی نیازهای روز نیستند. گاش در دوره‌های آموزشی مربیان، به موازات آنالیز بازی، مهارت‌های مدیریت رسانه و سواد ارتباطی نیز تدریس می‌شد. مربی امروز

از فریاد کنار زمین تا جنجال در نشست خبری

حاشیه‌ها همچنان حرف اول را می‌زند

رژه دادزن‌ها در لیگ برتر

و از دانش روز سخن می‌گویند. طبیعی است که از آنها انتظار بیشتری وجود داشته باشد.

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

لیگ بیست‌وششم با یک تفاوت مهم آغاز شد: این بار روی هیچ کدام از ۱۸ تیمکت لیگ برتر، خبری از سرمربی خارجی نیست. اتفاقی که می‌توانست یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اعتماد به مربیان ایرانی باشد و به نسل تازه‌ای از مربیان جوان فرصت دهد خود را در بالاترین سطح فوتبال کشور محک بزنند.

سال‌ها بود هربار صحبت از تیمکت تیم‌های بزرگ به میان می‌آمد، نگاه‌ها به خارج از ایران دوخته می‌شد؛ به مربیانی که گاهی با قراردادهای سنگین وارد فوتبال ایران می‌شدند، اما پیش از آنکه فرصت ساختن تیم و اجرای ایده‌هایشان را پیدا کنند، درگیر مشکلات مالی، مدیریتی یا اختلاف با باشگاه می‌شدند. حالا اما شرایط متفاوت است. تمام تیمکت‌ها ایرانی‌اند و از این دیدگاه، فصل جدید می‌تواند یک نقطه عطف باشد.

اما فوتبال فقط با انتخاب مربی و نتیجه مسابقه حرفه‌ای نمی‌شود. حرفه‌ای‌گری را باید در رفتار مربی کنار زمین، نوع گفت‌وگوی او با خبرنگاران، پذیرش مسئولیت شکست و حتی نحوه برخورد با داور و تیمکت حریف نیز دید. در هفته‌های ابتدایی فصل، به سه جای آنکه تمرکز اصلی روی ایده‌های فنی مربیان ایرانی، جوانگرایی و کیفیت مسابقات باشد، بخشی از اخبار بار دیگر به فریادهای کنار زمین، درگیری‌های لفظی و فیزیکی، اعتراض‌های تند، کنایه‌های رسانه‌ای و غیبت در نشست‌های سرمربی اختصاص پیدا کرده است. قرار نبود تمام‌ایرانی شدن تیمکت‌ها فقط به تغییر پاسپورت سرمربی ختم شود. اگر قرار است این فصل نشانه‌ای از بلوغ مربیگری ایرانی باشد، این بلوغ باید در رفتار هم دیده شود.

مسئله فنی در فوتبال مدرن محل تصمیم‌گیری و هدایت تیم است؛ جایی برای خواندن بازی، انتقال تغییرات تاکتیکی و حفظ آرامش در شرایط خاص. هیچ‌کس انتظار ندارد سرمربی در دقیقه ۹۰ یک مسابقه حساس مانند تماشاکر بی تفاوت کنار زمین بایستد. همچنان بخشی از فوتبال است و اعتراض، تا زمانی که در چهارچوب قانون باشد، قابل درک. مسأله از جایی آغاز می‌شود که همچنان جای کنترل را می‌گیرد و مربی خود به بخشی از تنش مسابقه تبدیل می‌شود.

در این مدت کوتاه بارها صحنه‌هایی دیده شده که فریادهای مداوم، اعتراضی به داور و تنش میان تیمکت‌ها، بیشتر از دستورات تاکتیکی به چشم آمده است. حتی در یک دیدار دوستانه میان دو تیم ایرانی، درگیری شدید بازیکنان فضای مسابقه را کاملاً ملتهب کرد و دو سرمربی نیز به‌شدت برآشفته شدند؛ تا جایی که یکی از آنها پس از رانزنی با همتای خود به داور اعلام کرد تیمش دیگر حاضر به ادامه بازی نیست و مسابقه ناتمام ماند.

نگران‌کننده‌تر اینکه بخشی از این رفتارها از سوی همان مربیانی دیده می‌شود که قرار بود نماینده نسل تازه فوتبال ایران باشند؛ مربیانی که سال‌ها برای رسیدن به تیمکت لیگ برتر تلاش کرده‌اند، دوره‌های مربیگری گذرانده‌اند

یادداشت

سینا حسینی

خبرنگار

لطفاً داد‌نزد!

در فوتبال مدرن، تیمکت فنی بیش از آنکه محل نمایش هیجان و فریاد باشد، اتاق فرمان یک مسابقه است؛ جایی که سرمربی باید در آرام‌ترین حالت ممکن، اتفاقات زمین را ببیند، تحلیل کند و برای تغییر شرایط تصمیم بگیرد.

ولی بخشی از مربیان جوان لیگ برتر ایران هنوز تصور می‌کنند هرچه صدایشان بلندتر باشد، اقتدارشان بیشتر و شانس موفقیت تیمشان بالاتر است.

گویي فریاد زدن، اعتراض کردن و حضور دائمی در متن جنجال‌های کنار زمین، بخشی از دانش مربیگری محسوب می‌شود.

این نگاه، نه‌تنها با فوتبال روز دنیا فاصله دارد، بلکه می‌تواند نشانه‌ای از فقر ایده‌های فنی باشد.

مربی‌ای که تمام انرژی خود را صرف اعتراض به داور، فریاد بر سر بازیکن یا نمایش هیجان در کنار زمین می‌کند، چه زمانی برای خواندن بازی، کشف نقاط ضعف حریف و طراحی راهکارهای تازه دارد؟ فوتبال در سطح حرفه‌ای، مسابقه‌ای برای بلندتر حرف زدن نیست؛ رقابتی برای بهتر فکر کردن است.

مربیان موفق امروز، کنار زمین شطرنج مربیگری را بازی می‌کنند. آنها با یک جا به جایی، تغییر سیستم، تعویض به‌موقع یا حتی تغییر وظیفه یک بازیکن می‌توانند ساختار مسابقه را دگرگون کنند. گاهی یک تصمیم کوچک، نتیجه ۹۰ دقیقه را تغییر می‌دهد. این همان تفاوت میان مربی صاحب ایده و مربی صاحب صداست.

سرمربی باید بتواند هیجان خود را مدیریت کند؛ زیرا بازیکنان از تیمکت فقط دستور نمی‌گیرند، بلکه رفتار و میزان آرامش مربی را نیز دریافت می‌کنند. انتقال اضطراب، عصبانیت و هیجان بی‌دلیل می‌تواند تمرکز بازیکن را برهم بزند و تیم را از تصمیم‌گیری منطقی دور کند. قرار نیست بازیکن در زمین، عصبانیت سرمربی را بازی کند؛ قرار است ایده او را اجرا کنند.

البته فریاد زدن در مقاطعی از مسابقه ممکن است لازم باشد؛ اما تفاوت بزرگی میان «ارتباط مؤثر» و «داد زدن مداوم» وجود دارد.

مربی باید بداند چه زمانی صحبت کند، چه زمانی سکوت کند و مهم‌تر از همه، چه چیزی بگوید.

در فوتبال امروز، کاریزما با صدای بلند ساخته نمی‌شود. اعتبار یک مربی از کیفیت تمرین، شناخت حریف، جزئیات تاکتیکی، مدیریت رختکن و تصمیم‌های درست در لحظات حساس شکل می‌گیرد. مربیان جوان لیگ برتر اگر می‌خواهند از مرز مربیگری احساسی عبور کنند، باید ببپذیرند که جای دادزن کنار زمین فوتبال نیست. کنار زمین، جای کسی است که آرام‌تر از همه می‌بیند، دقیق‌تر از همه فکر می‌کند و در لحظه مناسب، صغحه شطرنج را به سود تیمش تغییر می‌دهد.

مصاحبه

حمید درخشان، پیشکسوت و مربی نام‌آشای فوتبال ایران، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی مربیان داخلی در فصل جاری پرداخت و تأکید کرد که غیبت مربیان خارجی می‌تواند یک «فرصت تاریخی» برای نمایش توانایی‌های بومی باشد، مشروط بر اینکه نگاه مربیان به نتیجه‌گرایی صرف تغییر کند. درخشان با اشاره به تجربه ادوار گذشته، استفاده از مربیان خارجی را رد نکرد و گفت: «فوتبال ما نیاز به دانش روز دارد اما متأسفانه در سال‌های اخیر، جز تعداد محدودی، بقیه مربیان خارجی کمک چندانی به ما نکرده‌ند.»

او شرایط کنونی را که استفاده از گزینه‌های خارجی را با محدودیت مواجه کرده، بهترین بستر برای خودنمایی سرمربیان ایرانی دانست و افزود: «این شانس خوبی است که به مربیان ما داده شده تا نشان دهند از دانش روز عقب نیستند و می‌توانند تأثیرگذار باشند.»

مهم‌ترین نکته‌ای که این مربی با سابقه به آن هشدار داد، خطر افتادن در دام محافظه‌کاری است. او با صراحت اعلام کرد: «اگر مربیان داخلی فقط به این فکر کنند که نیازند و به تساوی رضایت دهند، فوتبال ما نه تنها رشد نمی‌کند، بلکه عقبگرد خواهد داشت.» درخشان نمایش فوتبال زیبا و تاکتیکی را توأم با گل و برنامه‌ریزی دانست و خطاب به مدیران



عکس باشگاه شمس آذر

نشست خبری؛ آیین‌های که نباید شکسته شود

برش

✂

این فصل هنوز

می‌تواند به

فرصتی واقعی

برای مربیان

ایرانی تبدیل

شود. اینکه هر

۱۸ تیم لیگ

برتر سرمربی

ایرانی دارند، در

صورت مدیریت

درست، می‌تواند

اعتماد به

مربیان داخلی

را افزایش دهد

و مسیر تازه‌ای

برای نسل جدید

مربیگری باز

کند

قانون، رفتار و مسئولیت‌پذیری برای همه یکسان باشد. برخورد انضباطی زمانی اثرگذار است که قابل پیش‌بینی و عادلانه باشد. باشگاه‌ها نیز باید سهم خود را بپذیرند. نمی‌توان مربی را هر هفته با تهدید به اتهام تبدیل می‌شود. صحبت درباره دآوری، زمین، برنامه مسابقات، مدیریت باشگاه یا رفتار تیم رقیب، به خودی خود اشکالی ندارد؛ مشکل زمانی آغاز می‌شود که این موضوعات جای فوتبال را بگیرند و مربی به جای توضیح درباره عملکرد تیم، مسئولیت ناگامی را به دیگران منتقل کند. این وضعیت فقط اعتبار مربی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه به مرور نشست خبری را نیز از کارکرد اصلی‌اش دور می‌کند. هوادار به جای آنکه بفهمد تیمش چرا خوب بازی نکرده، با مجموعه‌ای از جملات تند و حاشیه‌ای مواجه می‌شود و رسانه نیز به جای تحلیل فنی و تاکتیکی، ناچار است حاشیه‌های نشست را دنبال کند. در نهایت، فوتبال از متن به حاشیه می‌رود. غیبت در نشست‌های خبری مسأله‌ای جدی‌تر است. وقتی حضور سرمربی طبق مقررات الزامی است، غیبت مکرر را نمی‌توان صرفاً یک انتخاب شخصی یا مسأله‌ای ساده تلقی کرد. این موضوع نشان می‌دهد پاسخگویی، بخشی از وظایف شغلی مربی است.

قانون، رفتار و مسئولیت‌پذیری برای همه یکسان باشد. برخورد انضباطی زمانی اثرگذار است که قابل پیش‌بینی و عادلانه باشد. باشگاه‌ها نیز باید سهم خود را بپذیرند. نمی‌توان مربی را هر هفته با تهدید به اتهام تبدیل می‌شود. صحبت درباره دآوری، زمین، برنامه مسابقات، مدیریت باشگاه یا رفتار تیم رقیب، به خودی خود اشکالی ندارد؛ مشکل زمانی آغاز می‌شود که این موضوعات جای فوتبال را بگیرند و مربی به جای توضیح درباره عملکرد تیم، مسئولیت ناگامی را به دیگران منتقل کند. این وضعیت فقط اعتبار مربی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه به مرور نشست خبری را نیز از کارکرد اصلی‌اش دور می‌کند. هوادار به جای آنکه بفهمد تیمش چرا خوب بازی نکرده، با مجموعه‌ای از جملات تند و حاشیه‌ای مواجه می‌شود و رسانه نیز به جای تحلیل فنی و تاکتیکی، ناچار است حاشیه‌های نشست را دنبال کند. در نهایت، فوتبال از متن به حاشیه می‌رود. غیبت در نشست‌های خبری مسأله‌ای جدی‌تر است. وقتی حضور سرمربی طبق مقررات الزامی است، غیبت مکرر را نمی‌توان صرفاً یک انتخاب شخصی یا مسأله‌ای ساده تلقی کرد. این موضوع نشان می‌دهد پاسخگویی، بخشی از وظایف شغلی مربی است.

قانون، رفتار و مسئولیت‌پذیری برای همه یکسان باشد. برخورد انضباطی زمانی اثرگذار است که قابل پیش‌بینی و عادلانه باشد. باشگاه‌ها نیز باید سهم خود را بپذیرند. نمی‌توان مربی را هر هفته با تهدید به اتهام تبدیل می‌شود. صحبت درباره دآوری، زمین، برنامه مسابقات، مدیریت باشگاه یا رفتار تیم رقیب، به خودی خود اشکالی ندارد؛ مشکل زمانی آغاز می‌شود که این موضوعات جای فوتبال را بگیرند و مربی به جای توضیح درباره عملکرد تیم، مسئولیت ناگامی را به دیگران منتقل کند. این وضعیت فقط اعتبار مربی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه به مرور نشست خبری را نیز از کارکرد اصلی‌اش دور می‌کند. هوادار به جای آنکه بفهمد تیمش چرا خوب بازی نکرده، با مجموعه‌ای از جملات تند و حاشیه‌ای مواجه می‌شود و رسانه نیز به جای تحلیل فنی و تاکتیکی، ناچار است حاشیه‌های نشست را دنبال کند. در نهایت، فوتبال از متن به حاشیه می‌رود. غیبت در نشست‌های خبری مسأله‌ای جدی‌تر است. وقتی حضور سرمربی طبق مقررات الزامی است، غیبت مکرر را نمی‌توان صرفاً یک انتخاب شخصی یا مسأله‌ای ساده تلقی کرد. این موضوع نشان می‌دهد پاسخگویی، بخشی از وظایف شغلی مربی است.

قانون، رفتار و مسئولیت‌پذیری برای همه یکسان باشد. برخورد انضباطی زمانی اثرگذار است که قابل پیش‌بینی و عادلانه باشد. باشگاه‌ها نیز باید سهم خود را بپذیرند. نمی‌توان مربی را هر هفته با تهدید به اتهام تبدیل می‌شود. صحبت درباره دآوری، زمین، برنامه مسابقات، مدیریت باشگاه یا رفتار تیم رقیب، به خودی خود اشکالی ندارد؛ مشکل زمانی آغاز می‌شود که این موضوعات جای فوتبال را بگیرند و مربی به جای توضیح درباره عملکرد تیم، مسئولیت ناگامی را به دیگران منتقل کند. این وضعیت فقط اعتبار مربی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه به مرور نشست خبری را نیز از کارکرد اصلی‌اش دور می‌کند. هوادار به جای آنکه بفهمد تیمش چرا خوب بازی نکرده، با مجموعه‌ای از جملات تند و حاشیه‌ای مواجه می‌شود و رسانه نیز به جای تحلیل فنی و تاکتیکی، ناچار است حاشیه‌های نشست را دنبال کند. در نهایت، فوتبال از متن به حاشیه می‌رود. غیبت در نشست‌های خبری مسأله‌ای جدی‌تر است. وقتی حضور سرمربی طبق مقررات الزامی است، غیبت مکرر را نمی‌توان صرفاً یک انتخاب شخصی یا مسأله‌ای ساده تلقی کرد. این موضوع نشان می‌دهد پاسخگویی، بخشی از وظایف شغلی مربی است.

چراغپور: مربی تعلیم دهنده در ایران نداشتیم!

او این شکاف را ناشی از نبود زیرساخت‌های آموزشی

دانست و با لحنی تند به شرایط کمیته آموزش

فدراسیون فوتبال حمله کرد: «کمیته آموزش

فدراسیون باید اینها را به مربیان آموزش

دهد.»

اما مهم‌ترین نقد چراغپور، به نوع نگاه

مربیان ایرانی به نقش خود برمی‌گردد.

او معتقد است که بیشتر سرمربیان

داخلی، «مدیر» هستند نه «معلم». به

گفته‌او: «ما به یک تیچر کوچ (معلم-

مربی) نیاز داریم، نه منیجر کوچ (مدیر

مربی). تیچر کوچ کسی است که مثل

یک معلم، فوتبال نوین را به بازیکنان درس

می‌دهد، تاکتیک را آموزش می‌دهد، و مدام

در حال یاددهی است. اما منیجر کوچ فقط

استعداد می‌خرد، بازیکن جابه‌جا می‌کند و

نتیجه می‌خواهد.»

او در پایان این رفتار آماتوری را ریشه در نبود

آموزش مستمر و نظام‌مند دانست و گفت:

«مربی ایرانی باید بپذیرد که باید مدام بیاموزد.

کمیته آموزش باید کلاس‌های واقعی، کارگاهی و

عملی برگزار کند. تا وقتی مربی ما نفهمد که اول

«معلم» است و بعد «مدیر»، فوتبال ما در همین

نقطه می‌چرخد.»

چراغپور هشدار داد که تا وقتی نگاه آماتوری حاکم

است، حتی بهترین استعدادها هم هدر می‌روند و

تنها راه نجات، تحول بنیادین در نظام آموزشی و تغییر

نگرش از «نتیجه‌گرایی» به «دانش‌محوری» است.

جلال چراغپور، کارشناس با سابقه فوتبال ایران، در

گفت‌وگویی صریح، به نقد رفتار غیرحرفه‌ای و آماتوری بسیاری از مربیان داخلی پرداخت و تأکید کرد که

بزرگ‌ترین مشکل فوتبال ایران، نبود «آموزش درست» و

«نگاه معلم‌گونه» به مربیگری است.

او با یک مثال ساده اما گویا شروع کرد: «مربی‌ای که در

ایران کار می‌کند، باید بداند بازیکن ایرانی انعطاف‌پذیری

صفر دارد، آسیب‌دیدگی‌اش بالااست و در کودکی هیچ‌کلاس

ژیمناستیک، شنا یا دوومیدانی نرفته است. اگر صبح

بازی به او حرکت کششی بدهید، تا بعدازظهر عضلاتش

جابه‌جا می‌شود.»

به باور چراغپور، اکثر مربیان ایرانی این واقعیت‌های پایه

را نمی‌دانند یا به آن توجه نمی‌کنند، چون خودشان

هیچ‌گاه آموزش علمی و سیستماتیک ندیده‌اند. او تأکید

کرد: «در کلاس‌های مربیگری دنیا، به شما نمی‌گویند

می‌خواهید به ایران بروید یا آفریقا؛ بلکه نحوه کار با

بازیکن در دسترس را آموزش می‌دهند. اما مربی ما باید

ابتدا جامعه فوتبال خودش را بشناسد و این شناخت،

بدون آموزش حرفه‌ای ممکن نیست.»

چراغپور با اشاره به تجربه کشورهای منطقه، الگوی اشتباه

ایران را به چالش کشید: «عربستانی‌ها با مربی بزرگ به

جام می‌روند و با مربی وطنی بی‌گرددند. قطری‌ها هم

همین‌طور، اما ما نه از خارجی‌ها درست استفاده می‌کنیم

و نه به داخلی‌ها آموزش می‌دهیم.»